

توجه به معیارهای طراحی شهری و معماری در مساجد قدیمی (مورد مطالعه مسجد جامع دهلی)

محمد رضا پور جعفر

عضو هیات علمی دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

تحولات عصر کنونی به دلایل گوناگون موجب گسیخته شدن روند تکاملی توسعه در هنر معماری ایران شده است. تجربه‌ها و ابداعات زنجیروار در معماری جوامع، به جای استمرار توسعه گذشته صرفاً دست خوش زرق و برق ظاهری مکاتب غرب گردیده است. در این راستا توجه به نحوه توسعه طراحی در مورد بسیاری از آثار معماری گذشته از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

بسیاری از ایده‌های به کار گرفته شده در این گنجینه‌های هنری، در مقایسه با کاربرد ظواهر سبکهای معاصر معماری شکل گرفته در غرب، ارزنده‌تر و مشکل‌گشا ترند. اگرچه خاستگاه معماری اسلامی شبه جزیره عربستان بوده است اما این مکتب معماری، با بکارگیری نکات مثبت فرهنگهای گوناگون در گستره جغرافیایی جهان متبلور گردیده است. شکوفایی ایده‌های طراحی در مساجد گوناگون در جای‌جای زمین مصداق بارز این مطلب می‌باشد.

مسجد جامع دهلی در شبه قاره هند در عصر طلایی گورکانیان و در زمان شاه جهان (۱۶۲۸-۱۶۵۸ م، ۱۳۰۷-۱۰۶۸ هـ. ش) در دهلی قدیم (شاه جهان آباد) بنا شد. این مسجد از نظر طراحی دارای ویژگیهای قابل‌ذکری است از جمله نکات با ارزش، کاهش حجم سنگین، شفاف نمودن حصار و رواقهای اطراف و به نمایش گذاردن نماز از درون به بیرون مسجد می‌باشد. بدین ترتیب معماری این مسجد نماز را به شهر و شهروندان هدیه می‌نماید و با این نوع طراحی خود در عین داشتن جلال و جبروت از حالت خصوصی بیرون آمده و متعلق به همگان می‌شود. نحوه عملکرد این مسجد در روزهای جمعه، بویژه اعیاد مسلمین، از لحاظ چگونگی ارتباط نمازگزاران درون و بیرون مسجد دیدنی و قابل‌تحسین است.

در این مقاله ضمن اشاره به تاریخچه، مکتب معماری و تحلیل معماری این مسجد زیبا، با ارائه اسکیسهای تهیه شده به وسیله نویسنده، ویژگیهای معماری مسجد را به نمایش گذاشته و توصیه‌هایی در زمینه بهبود طرح مساجد معاصر - که موجب دعوت بیشتر مردم به مساجد و نماز می‌شود - تقدیم خواهد شد.

کلید واژگان: مساجد قدیمی، مساجد معاصر، معیارهای طراحی شهری و معماری

1. Transparent

2. Scace



۱- مقدمه

اسلام اندکی پس از ظهور، در تمام کشورهای پیرامون شبه جزیره عربستان و حتی کشورهای دور دست پذیرفته شد و همه عرصه‌های زندگی خصوصی و اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار داد. همراه با گسترش اسلام، مسجد به عنوان مهمترین عامل فیزیکی و پایگاه اسلامی نیز در تمام کشورهای متأثر از فرهنگ اسلامی بنا گردید.

شبه قاره هند از جمله جوامعی بود که تحت تأثیر اسلام، دچار دگرگونیها و تغییرات فراوانی گردید. معماری این دیار - که تبلور فیزیکی ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود - تحت تأثیر اسلام قرار گرفت. جوانان قریشی در سال ۷۱۱ میلادی وارد دره سند شدند؛ در این ارتباط آثاری از بنای مسجدی به ابعاد ۱۲۲×۱۲۸ فوت در این منطقه به جامانده است [۱]. سپس غوریان در سال ۱۱۹۳ میلادی مسجد قوت الاسلام (قبه الاسلام) را در مهرولی^۱ در نزدیکی دهلی بنا نهادند. در ابتدا قالبهایی از معماری دوران سلجوقی به عاریت گرفته شد که به دلیل عدم آشنایی استادکاران هندی با معماری اسلامی، اجرا و تکنیک صحیح ساخت آنها رعایت نشد؛ به همین علت طی قرون متمادی تا قبل از تسلط انگلیس، معماری اسلامی آنچنان توسعه یافت که زبانزد خاص و عام گردید. طی سالهای متمادی تأثیر معماری ایرانی اسلامی به وسیله برنامهریزان، معماران و هنرمندان ایرانی در حالی موجب بلوغ شاخه‌های معماری هند و اسلامی گردید که گهگاه در مناطق مرکزی ایران آنچنان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. بنابر تحقیقات انجام شده درباره معماری هند و اسلامی، معماری هند و اسلامی در اصل «هند و ایرانی اسلامی» است [۲]. در نتیجه مطالعه آثاری از معماری این مکتب همچون مسجد جامع دهلی، ضمن مشخص ساختن بخشی از زنجیره سیر تحول معماری اسلامی ایرانی و شکوفایی آن در کشورهای همسایه، باز آموزی از این مکتب را برای علاقه‌مندان میسر می‌سازد.

۲- سیر تحول

در اینجا به اختصار به سیر تحول مساجد از عربستان تا هند - که تا حدودی بیانگر تداوم توسعه طرح مساجد در سرزمینهای اسلامی است - اشاره می‌شود. نخستین مساجد با نقشه‌ای ساده و مصالح بومی نظیر تنه، شاخ و برگ نخل و گل در شبه جزیره عربستان بنا شدند؛ سپس برای امنیت و حفظ حرارت مسلمانان از حمله دشمنان و آفتاب گرم، دیوارهای برونی تقویت گردید و پیشخوانی ستوندار با محلی برای اذان به آن اضافه شد. طرح مسجد در دوره امویان در تقابل با آتشکده‌های ساسانی با فضای گنبد، ایوان و اتاق کفش کن توسعه یافت و مناره‌ها به آن اضافه شد. سپس مسجد ایواندار سلجوقی و نوع چهار ایوانی - که گاهی برای فرقه‌های مالکی، حنبلی، حنفی و شافعی در نظر گرفته می‌شد - شکل گرفت و در سوریه مصر و آناتولی از آن اقتباس گردید. تحولاتی در نوع پوشش سقف به صورت چند گنبدی در قرون شانزدهم نیز به وقوع پیوست. در عصر سلجوقی مناره‌ها به صورت قرینه در جلوی ایوان بنا گردیدند. در مساجد ایرانی از میراث باشکوه سیستم سنتی طاقهای ساسانی و تزیینات نماها با سرامیک استفاده شد. این مساجد از نظر طراحی معماری با گنبدهای پیازی شکل، سر درهای بلند با قوسهای زیبایی نوک‌دار و سرامیکهای رنگارنگ، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردیدند. در قرون ۱۵ و ۱۶ هـ.ل

ستوندار (شبستان) برای عبادت به فضای داخلی پوشیده با گنبد اضافه شد و در بعضی موارد فضاهایی با ارتفاع کمتر که - به وسیله طاق و قوس پوشیده می شدند - فضای اصلی مسجد را در بر گرفتند.

مساجد هندوستان نیز از طرح مساجد ایران نشأت گرفته و عناصری چون گنبد های پیازی شکل منظم، مناره ها، سر در های عظیم و باشکوه، با قوسهای نوک دار و بلند و زیبا در مساجد هند توسعه یافتند [۳]. سنت کاشی کاری ایرانی در سطحی وسیع در بسیاری از مساجد به کار گرفته شد؛ اما در بخش بیرونی ساختمان از سنگ مرمر و دیگر سنگهای رسوبی رنگی استفاده گردید. بسیاری از مساجد هندوستان دارای مقیاسی تاریخی و عظیم (مانیومتال) می باشند که بندرت در دیگر بناهای اسلامی مشاهده می شود. تکنیک ساخت در بدو ورود مسلمانان در شمال هند (غور یان ۱۱۹۳ میلادی) پیشرفته نبود و در آن فقط از قالب و شکل استفاده می شد، در این روش قوسها و گنبدها شبیه به روش پیشین^۱ - که در آن تخته سنگها را به صورت کاملاً افقی با ظاهر نهایی تقریباً قوسی شکل، روی یکدیگر قرار می دادند - ساخته می شد؛ بنا بر این دیری نگذشت که تکنیک ساخت فرا گرفته شد و بیشتر از گذشته پیشرفت کرد.

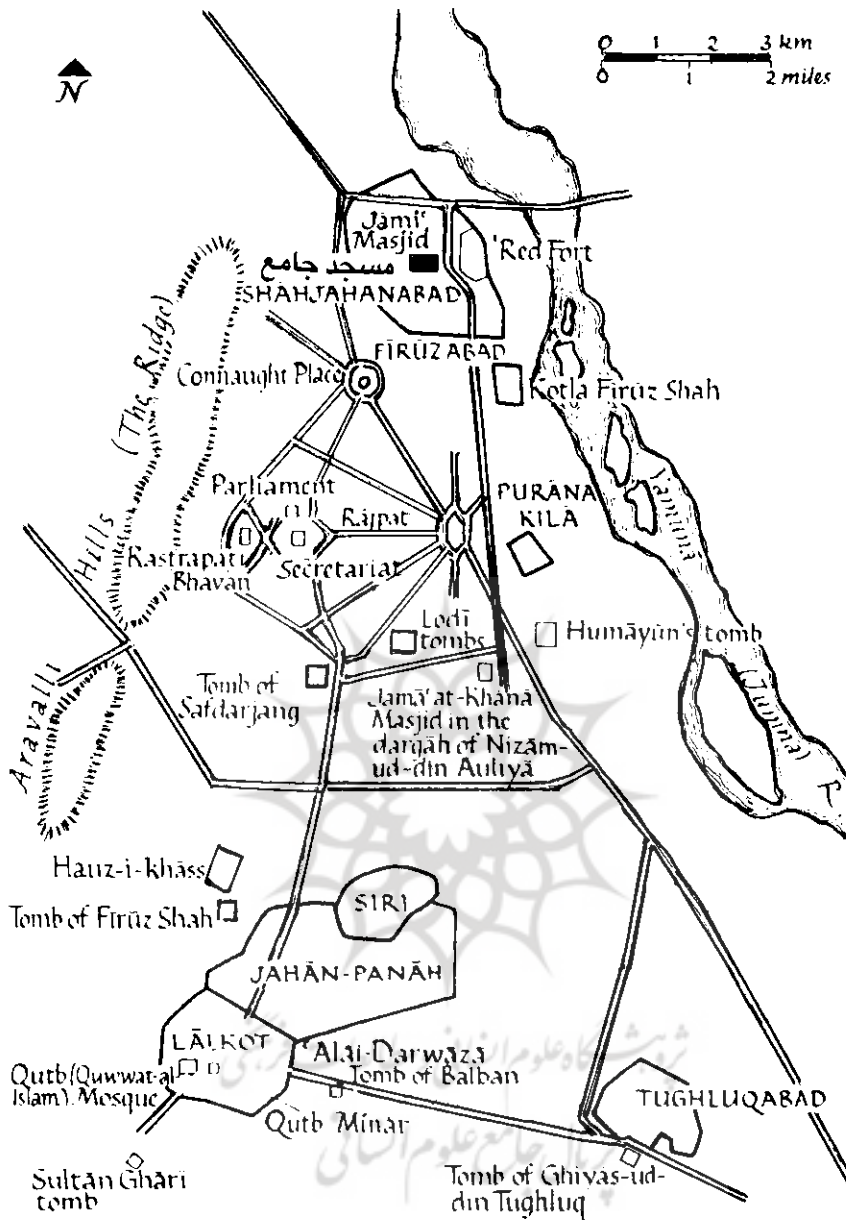
در زمان سلسله مغولها (گورکانیان هند یا مغولهایی که از فرهنگ و هنر ایران بهره مند شده بودند)، دهره شاه جهان (۱۶۲۷-۱۶۵۸ میلادی) را می توان دوره طلایی توسعه و ساخت مساجد نام نهاد. در دوره مغول (گورکانیان هند) دو نوع مسجد ساخته می شد، یکی مساجد عظیم و باشکوه عمومی و دیگری مساجد کوچک خصوصی. مسجد بزرگ فاتح پوری سیکری و مسجد جامع دهلی از جمله مساجد باشکوه این دوره اند؛ در اینجا به بررسی مسجد جامع دهلی و ویژگیهای طراحی معماری آن خواهیم پرداخت.

۳- موقعیت مسجد جامع دهلی

مسجد جامع در قلب شهر دهلی - که امروز آن را دهلی قدیم می نامند - جای گرفته است. این شهر به نام شاه جهان، در سال ۱۳۶۸ میلادی ساخته و شاه جهان آباد نامیده شد [۴]. چنانچه در آن زمان مرسوم بود، مردم معتقد بودند هر کس بر دهلی حکومت کند، بر شبه قاره هندوستان حکومت می کند؛ به همین دلیل شاه جهان با انتقال پایتخت خود از اگرا به دهلی، شاه جهان آباد را بنا نهاد. در اصل دهلی قدیم امروز، دهلی نو و مقر حکومت امپراطوری مغول بود (شکل ۱).

۳-۱- معیارهای طراحی شهری در مکان گزینی مسجد جامع دهلی

مسجد جامع دهلی یکی از عمده عناصری است که در چهارچوب نقشه دهلی آن زمان از نقشی بسیار اساسی برخوردار بود. عناصر مهم دیگر شهر شامل قلعه سرخ و چندی چوک می باشند. قلعه سرخ پایگاه، ارگ حکومت و چندی چوک راسته و محور زیبایی شهر بود که کانال آبی در وسط و کاربریهایی تجاری فرهنگی و فضای سبز در اطراف آن استقرار داشت؛ شایان ذکر اینکه، این ساختارها از طرح چهار باغ اصفهان اقتباس شده بود.

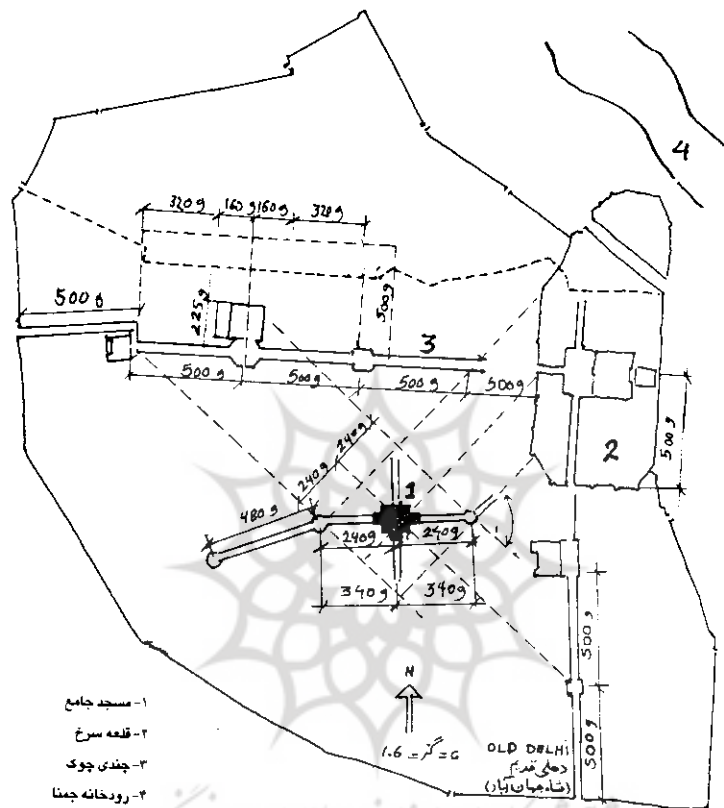


شکل ۱ موقعیت مسجد جامع در شاه جهان آباد (دهلی قدیم)^۱

مسجد جامع بر روی تپه کوچکی مکان گزینی شده است به گونه‌ای که از نظر بصری در سطح شهر خودنمایی می‌کند؛ به این ترتیب نه تنها بر زیبایی ظاهری شهر می‌افزاید بلکه معنا و مفهومی مذهبی به سیمای شهر می‌بخشد.

۱. کروکی‌ها توسط نگارنده ترسیم گردیده است

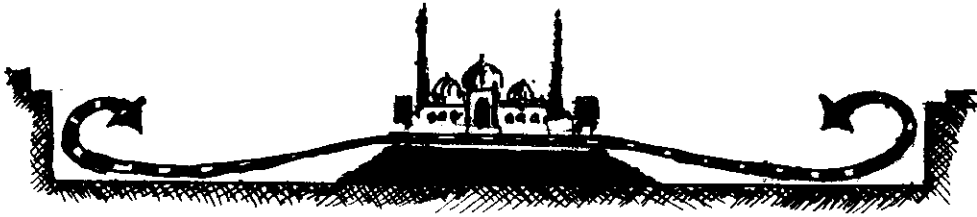
هیچ سازه‌ای چه مذهبی و چه سیاسی - حتی آنهایی که بعدها نیز ساخته شد- از نظر مقیاس و ارتفاع با مسجد جامع برابری نکرد. چشم‌نوازی مسجد جامع بر مقیاس‌زمان برتری داشت و در ماورای آن جای گرفت [۵]. به طور کلی مسجد جامع و دیگر عناصر مذکور در طراحی هندسی شهر نقشی اساسی ایفای کردند. این روابط در شکل ۲ ارائه گردیده است.



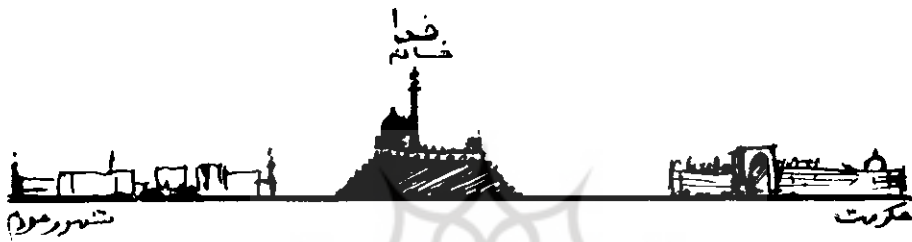
شکل ۲ موقعیت مسجد جامع در شاه جهان آباد (دهلی قدیم) از نظر رابطه هندسی و ابعاد

مسجد جامع در فضایی ما بین قلعه سرخ - که مقر حکومت امپراتوری مغول محسوب می‌شد- و بافت شهر استقرار یافته است؛ به این ترتیب فضایی شهری با جوی معنوی را بین حکومت و مردم ایجاد می‌نماید (شکل‌های ۳ الی ۱۲). یعنی مسجد در بین محل حکومت و بافت شهر قرار گرفته است. در قرن ۱۷ میلادی و در زمان اورنگ زیب - که شاه جهان آباد جمعیتی حدود شصت هزار نفر را در خود جای داده بود- فضای مسجد جامع بخوبی جوابگوی نمازگزاران در روزهای جمعه و اعیاد بود.

کاربریه‌های گوناگون اطراف مسجد جامع دهلی بیانگر جو فعال و ارزش بالای زمین در فضای اطراف مسجد جامع است. این کاربریه‌های شامل کلربری تجاری، فرهنگی (انجمن‌های گوناگون، کتابخانه و...)، جهانگردی (مهمانسراها، رستورانها و...)، خرده‌فروشی‌های مواد خوراکی، دخانی و پوشاکی، مانند ساری فروشی و کارگاه‌های صنایع دستی همچون زری دوزی و غیره می‌باشند.



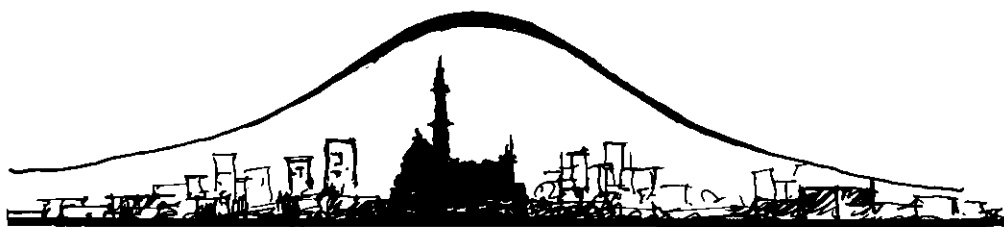
شکل ۳ فضای مسجد به عنوان فضایی شهری



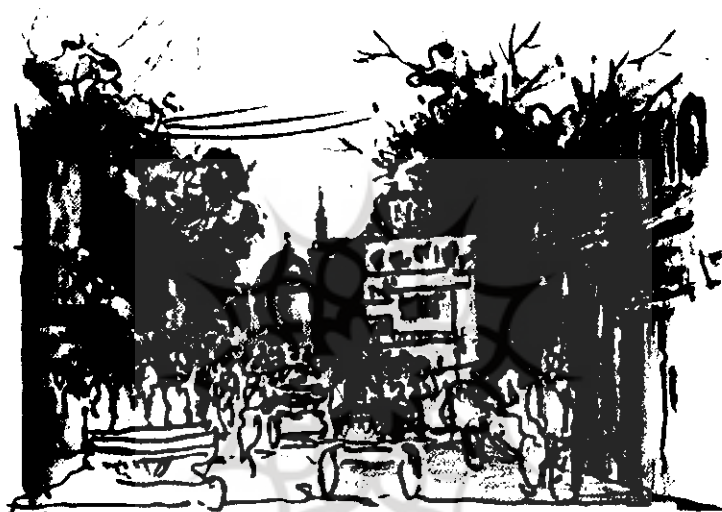
شکل ۴ برش عرضی بخشی از شاه جهان آباد بیانگر موقعیت مسجد نسبت به مقر حکومت و بافت شهر



شکل ۵ جایگزینی مسجد در طرح اصلی شهر و منتهی شدن شریانهای مهم شهر به طرف فضای مسجد و ورودیهای آن، از عوامل مهم دعوت مردم به مسجد جامع و نماز محسوب می شود.



شکل ۶ منحنی ارزش زمین در شاه جهان آباد



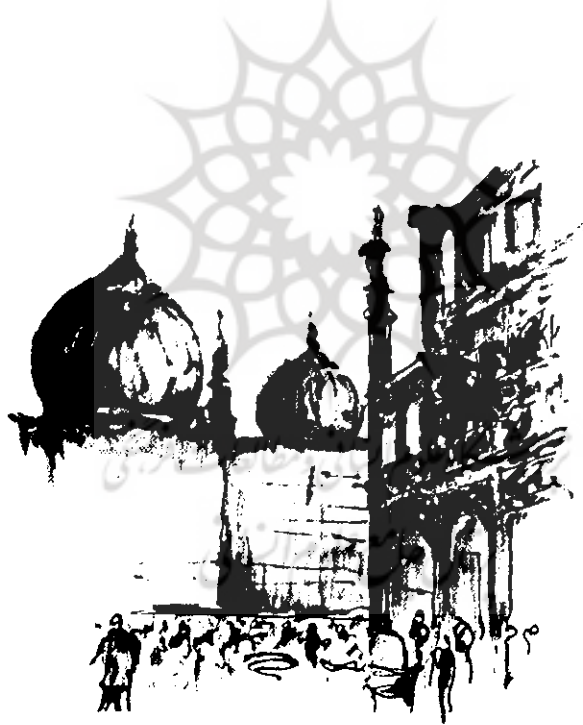
شکل ۷ اتصال دروازه اجمیر با مسجد جامع از طریق بازار چاوری بر اهمیت و اقتدار مسجد و عملکرد آن افزوده است.



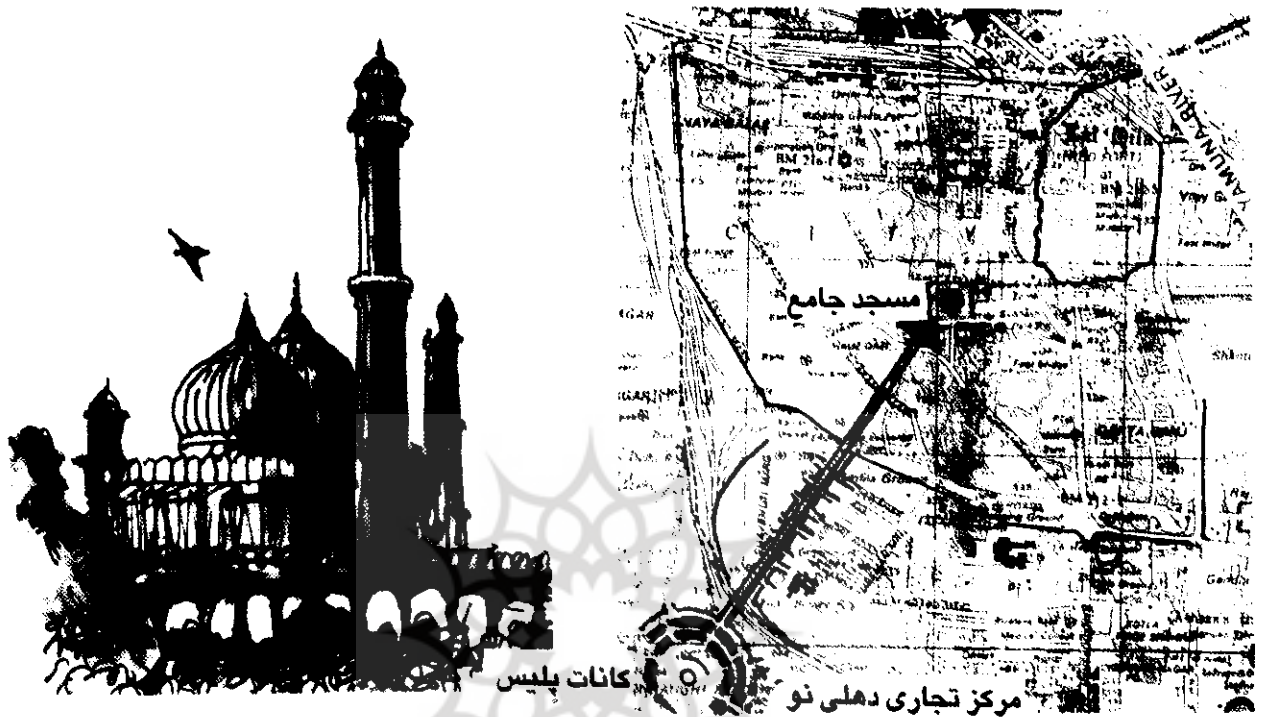
شکل ۸ مسجد جامع به عنوان نشانه‌ای شهری در بافت شهر عمل می‌کند



شکل ۹ مناره‌ها و گنبد مسجد جامع حال و هوایی معنوی به شهر می‌بخشد.



شکل ۱۰ مسجد جامع به عنوان یک اثر زیبای هنری دینی در انتهای بازار جلوه می‌کند.



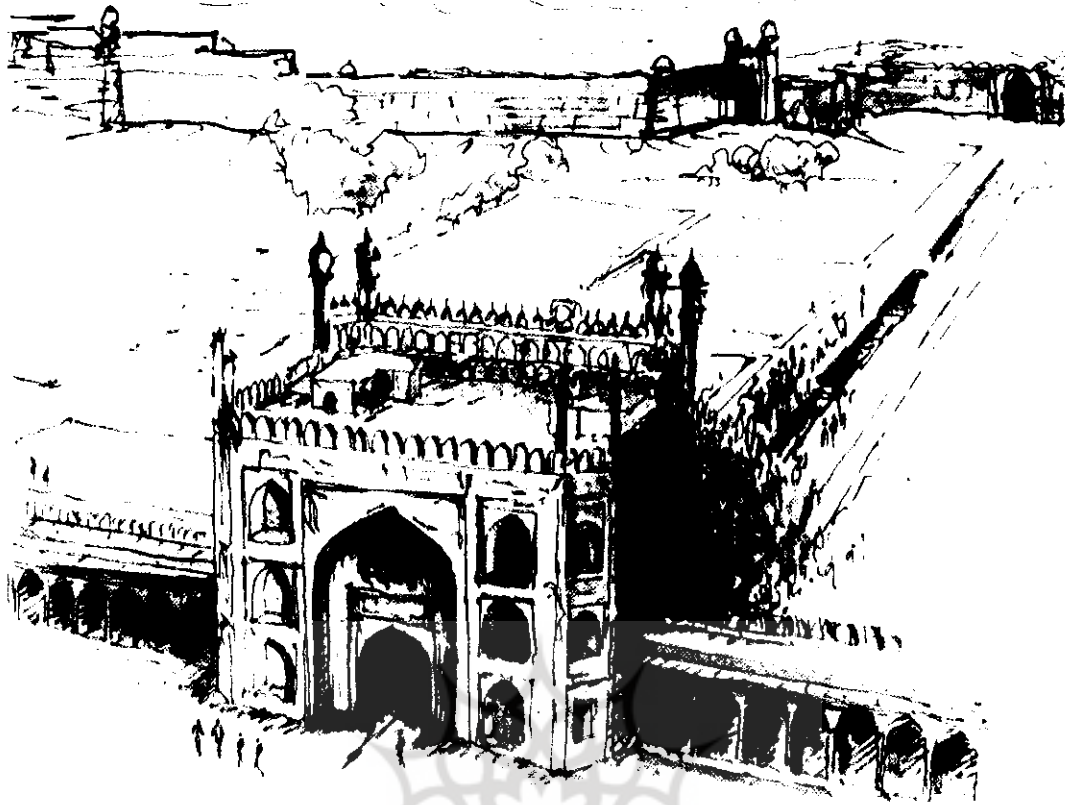
شکل ۱۱ محور طراحی شده بطرف مسجد از مرکز تجاری دهلی نو- کانات پلیس

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بنای مسجد جامع به حدی باشکوه است که ادوین لاتین^۱ طراح دهلی نو یکی از محورهای منتهی به مرکز شهر را به طرف مسجد جامع جهت داد تا منظره زیبای مسجد را در میدان بزرگ شهر به نمایش بگذارد. پس از او چارلز کرا^۲ معمار مشهور هندی ساختمان آل، آی، سی در همین میدان را با نمایی شیشه ای و سنگ سرخ طراحی کرد؛ او دلیل انتخاب صفحه عظیم شیشه ای را برای انعکاس منظره مسجد جامع در آن، عنوان نمود.

1. Edvin, Lutyens

2. Charls Corea



شکل ۱۲ ورودی اصلی مسجد به طرف قلعه سرخ

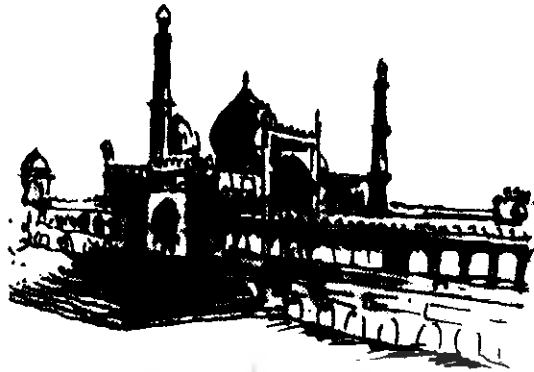
۲-۳- معماری مسجد جامع دهلی

مسجد جامع دهلی از بزرگترین و شناخته شده ترین مساجد جهان محسوب می شود. این مسجد دارای پلانی تقریباً مربع شکل و حدود (۱۲۴×۱۲۵ متر) و با مساحت ۱۵۵۰۰ متر مربع می باشد.

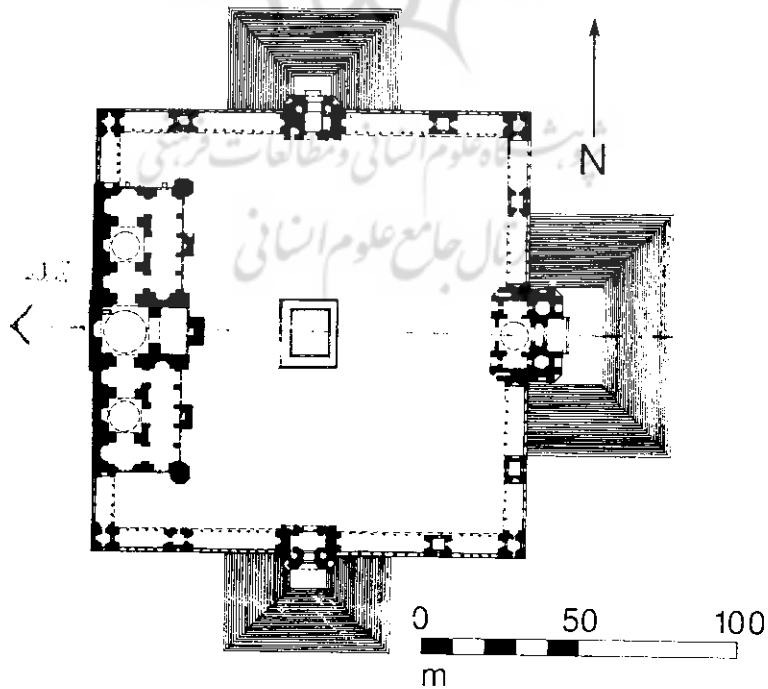
طرح مسجد جامع دهلی (۱۶۵۰ م) از طرح مسجد "اگر" - که توسعه یافته مسجد وزیرخان در لاهور می باشد- متأثر است. مسجد وزیرخان با آجر محلی و کاشی ساخته شده بود. پس از آن مسجد جامع فاتح پوری سیکری بر روی سکویی بنا و صحن آن با بالهای باریکی (رواقها) محصور گردید. این طرح در مسجد شاه جهان در دهلی اندکی دگرگون شد. مسجد جامع دهلی یکی از بزرگترین مثالهای مساجد سبک حیاط دار چهار ایوانی در هندوستان محسوب می شود که معماران دوره اسلامی آنها را از شیوه های عهد اشکانی و سامانی اقتباس کرده اند.

بنای مسجد بر روی یک بلندی به ارتفاع ۳۰ فوت قرار گرفته است که این امر موجب ایجاد پلکانهای عظیم و زیبا برای ورود به صحن اصلی از سه طرف گردید. این در حالی است که پلکانها در ابنیه اسلامی یک اثر مهم معماری به حساب نمی آید [۶]: اما پلکانهای مسجد جامع دهلی نه تنها نقش صعود به صحن اصلی را در سه طرف مسجد عهده دار می باشند بلکه آنچنان ماهرانه کار شده اند که به عنوان عناصری شاخص در معماری مسجد خودنمایی

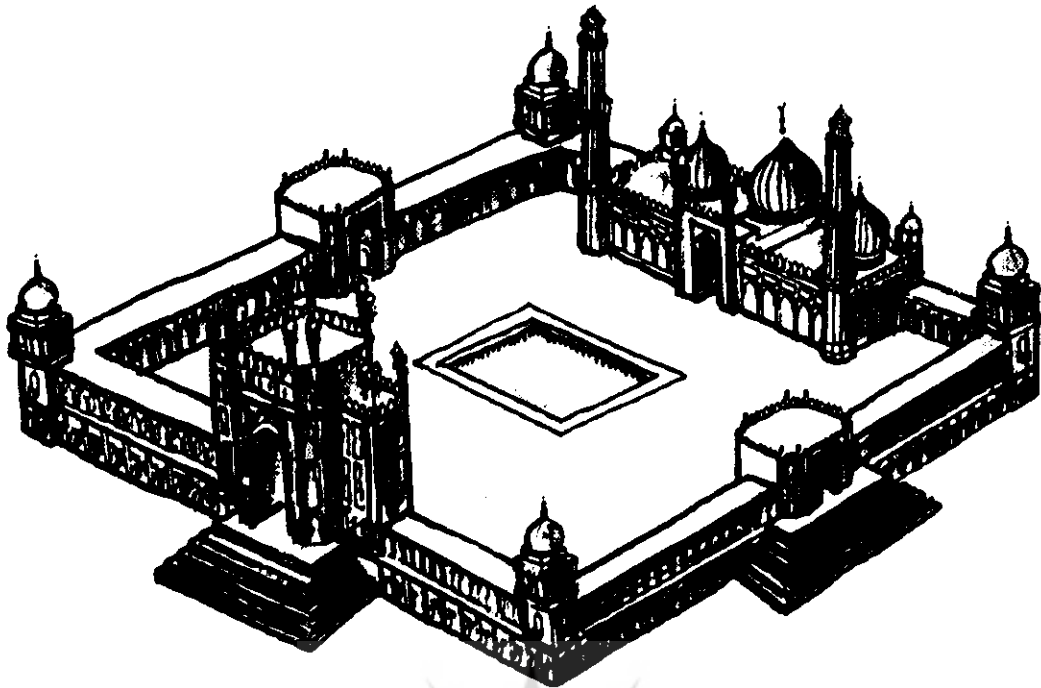
می‌کنند و بر عظمت و شکوه مسجد می‌افزایند. مسجد دارای یلان با صحن وسیع و باز می‌باشد که حدود ۲۳٪ از آن پوشیده شده است؛ این مقدار نسبت به فضای پوشیده مساجد ایران (۶۰٪) بسیار کمتر است



شکل ۱۳ مسجد جامع دهلی



شکل ۱۴ پلان مسجد جامع دهلی



شکل ۱۵ پرسپکتیو مسجد جامع دهلی در شبه قاره هند

باز بودن رواقهای اطراف صحن مسجد به طرف بیرون و داشتن ورودی در سه طرف، فضای داخل مسجد را با فضای شهری به یکدیگر پیوند داده و ضمن ایجاد احساس مردمی بودن، و سبکی در بنا، فضای مسجد را در موقع لزوم قابل توسعه می نماید. در زمان برگزاری نماز عید صفوف نمازگزاران از داخل مسجد شروع و در فضای بیرون مسجد ادامه می یابد و منظره‌ای زیبا از جمعیت نمازگزاران را به نمایش می گذارد. ضمناً منتهی شدن گذرهای شهری به طرف صحن مسجد بر عملکرد فضای مسجد به عنوان فضایی شهری می افزاید. البته مسائل پایینتر بودن محراب (محل امام جماعت) از جمعیت نمازگزار به دلیل تعلق مسجد به اهل تسنن می باشد و در مورد شیعیان باید به امر پایین تر بودن جایگاه پیش نماز از نمازگزاران توجه خاص مبذول داشت، که می تواند دلایل اقلیمی داشته باشد. به طور کلی مسجد جامع دهلی حول محور شرقی غربی به صورت کاملاً قرینه طراحی شده است.

پلکان ورودی رو به قبله وسیع تر طراحی و اجرا گردیده است که از این طریق بر ورودی اصلی و رو به قبله تأکید می نماید. سر در ورودی - اصلی - که سه طبقه است - نیز بزرگتر از دیگر بناهای ورودی طراحی و بنا شده است. صحن مسجد را رواقهایی با عمق کم و بصورت نیمه پوشیده (با سقف و باز از طرفین) محصور نموده اند که ورودیهای مسجد را به شبستان متصل می سازد. در اکثر مساجد دنیا دهانه اینگونه فضاها رو به صحن باز می شود اما در مسجد جامع دهلی رواقهای رو به شهر نیز باز است؛ به این ترتیب ضمن مرتبط ساختن فضای داخلی مسجد با فضای شهر، پانورامای (منظره وسیع) زیبایی از شهر ارائه می نماید. در جناح غربی، شبستان اصلی مسجد قرار گرفته است که می توان آن را از نظر پوششی به دو قسمت تقسیم بندی نمود. قسمت جلو که سقفی مسطح دارد و قسمت دیگر (پشت) که با سه گنبد پوشانیده شده است؛ گنبد فضای محراب، بزرگتر طراحی شده است. کف شبستان در حد چند پله با صحن باز مسجد اختلاف سطح دارد. حوض آبی برای وضو و سایه بان کوچکی در کنار آن، تنها عناصر موجود در میان فضای مسجد می باشند. تمام فضای مسجد در خدمت نمازگزار قرار دارد.

شایان ذکر است شکوه و زیبایی معماری گنبد‌های ایران تا حدودی به کاشیکاری معرق آن مربوط می‌شود، معماران مسلمان هندی نیز از طریق معرق با سنگ به این امر دست یافتند.

گنبد‌های مسجد جامع نیز با مرمر سفید و سیاه پوشیده شده و معماران از مرمر سفید به صورت زمینه استفاده کرده‌اند. خطوط سیاه رنگی با مرمر سیاه از نوک گنبد به طرف پایین کار شده است که تا حدی به ارتفاع گنبد از نظر گرافیکی می‌افزاید.

مناره‌ها نه تنها نشانه و نمادی زیبا از مسجد را، هم در درون و هم تا دور دست‌ها به نمایش می‌گذارند بلکه از رانش قوس‌های جلو شبستان نیز جلوگیری می‌کنند؛ بدین ترتیب به ایستایی سازه مسجد کمک می‌شود. مناره‌های مسجد جامع دهلی دارای پلان هشت ضلعی (ارتفاع ۱۳۰ فوت)، با پلکانی مارپیچ در میان آن و چتری در انتها، بنا گردیده‌اند. این مناره‌ها به سه قسمت تقسیم شده‌اند که هر قسمت دارای بالکن می‌باشد؛ بالکن طبقه اول هم‌سطح با پشت‌بام مسجد است. نماکاری مناره‌ها با زمینه ماسه سنگ سرخ و خطوط عمودی از مرمر سفید انجام شده است که خطوط مرمرین عمودی در پس زمینه سرخ به ارتفاع مناره‌ها می‌افزاید. توجه به هنر گرافیک در طراحی نماها و استفاده از رنگ‌های متضاد برای تأکید بر موضوع مورد نظر با معرق سنگی، از جمله ویژگی‌های قابل ذکر در نماکاری مسجد جامع دهلی محسوب می‌شوند. به طور کلی در مکتب «هند و ایرانی اسلامی» و خصوصاً در معماری مسجد جامع دهلی استفاده از سنگ‌های سرخ در کنار مرمر سفید و خطوطی از مرمر سیاه نوعی احساس شفافیت و زنده بودن را به بیننده القامی کند. از جمله نکات قابل ذکر در مسجد جامع دهلی تأثیر کشیدگی بنا در جهت افقی است؛ در اینجا، ایجاد وحدت در عناصر گسترده و وسیع بنا و تکرار گنبد‌های پیازی شکل، قوس‌ها به سبک دوره شاه جهان، و رواق‌ها با سقف‌های مسطح و به طور کلی توسعه، افقی مبین گستردگی و عظمت بنا گردیده است.

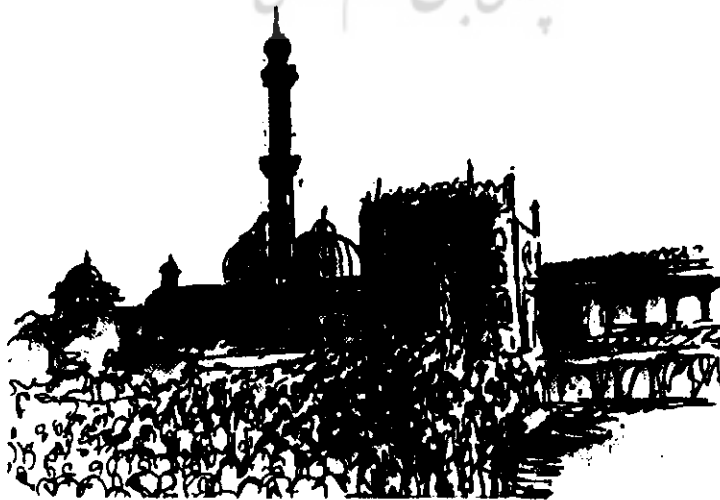


شکل ۱۶ نقش اسلیمی در محراب مسجد به طور



شکل ۱۷ صحن باز و وسیع مسجد جامع دهلی مشاهده نمایی زیبا و باشکوه از شبستان مسجد با ترکیبی زیبا از گنبدها و گلدسته‌ها را میسر می‌سازد.

در اینجا مناره‌ها قدری کشیدگی را تعدیل می‌کنند و نگاه را به سمت بالا و آسمان سوق می‌دهند؛ شایان ذکر است این ویژگی یعنی کشانیدن نگاه از گستره وسیع صحن به سوی آسمان نیز بر معنویت فضای مسجد می‌افزاید. احجام اولویت بندی شده بر اساس سلسله مراتب ورودیها و بالکنهای درون آنها، مناره‌ها، چتریهای کوچک در بالای ورودیها، سر در شبستان و در چهار گوشه مسجد، نوع گرافیک و رنگهای حساب شده، سایه روشنها و کنگره‌های لب‌دیوارها همگی شیرینی خاصی به طرح می‌افزاید و از یکتااختی و حجیم بودن بنا می‌کاهد. به طور کلی مسجد جامع دهلی در عصر معاصر بخوبی فعال و از شادابی و سرزندگی خاصی برخوردار است. فضای درون مسجد و فضای اطراف آن در موقع نماز و خصوصاً در زمان اعیاد از جمعیت نمازگزار موج می‌زند و سرزندگی خاصی را عرضه می‌کند (شکل‌های ۱۳ الی ۱۹).



شکل ۱۸ جمعیت نمازگزار در زمان اعیاد

۴- نتیجه گیری

برقراری ارتباط بین فرهنگها خصوصاً فرهنگهایی که روزگاری در امتداد فرهنگ ماقرار داشته‌اند، می‌تواند نتایج سودمندی را به ارمغان آورد. این ارتباطات در گذشته - که مرزهای فرهنگی بشدت کنونی تحت تأثیر مرزهای سیاسی قرار نداشت - در بسیاری از دوره‌ها موجب غنای هنر و فرهنگ جوامع می‌شد. در این راستا اهمیت دادن به امر تحقیق در مورد آثار هنری موجود در ماورای مرزهای امروزی - که ریشه در فرهنگ ایرانی اسلامی دارند - برای تعالی و توسعه هنر ضروری به نظر می‌رسد. تأثیر متقابل معماری ایران و معماری کشورهای مجاور - که در دوره‌ای از تاریخ یا جزئی از ایران بودند یا بطریقی تحت تأثیر فرهنگ ایران قرار داشتند - هنوز آن طور که باید و شاید مورد بررسی و توجه قرار نگرفته است. باید بدانیم بدون بررسی این جنبه‌ها نمی‌توان درک و تحلیل جامع و صحیحی از معماری ایرانی اسلامی و روند شکل‌گیری آن داشت. مکتب معماری اسلامی و خصوصاً معماری مساجد عظیم قدیمی، مجموعه‌ای از اندوخته‌ها و تجربیات هنرمندان و استادکاران ایرانی و شاگردان آنان است؛ مفاهیم معنوی این مکتب در فرهنگ اسلامی ریشه دارد و با درهم آمیختن قالبها و شیوه‌هایی از دیگر فرهنگها مکتبی غنی را ارائه کرده است. توجه به آثار موجود و مربوط به این مکتب حتی در ماورای مرزهای کنونی برای توسعه معماری امری ضروری است. به عنوان مثال برای مساجد دوره قاجار طرحی مورد توجه قرار گرفت که بر اساس آن سه فضای ورودی شاخص و عظیم بر روی محور تقارن صحن ساخته شد؛ مهمترین ورودی غالباً در امتداد محور قبله قرار داشت. با وجود مربوط بودن زمینه و پیشینه چنین طرحی به معماران ایرانی در دوره تیموری، این طرحها در دوره صفویه و پس از آن در ایران به شکل شایسته‌ای دنبال نشد، اگرچه گسترش و تطور آن در برخی زمینه‌ها در سایر نواحی و از جمله هندوستان به دست معماران ایرانی یا کسانی که با معماری ایرانی آشنایی داشتند، تداوم یافت. در عصر گورکانیان هند و خصوصاً دوره شاه جهان، بیشترین مساجد ساخته شد و در ساخت مساجد عظیم شیوه مذکور گسترش و استمرار یافت. عصر شاه جهان به دلایل گوناگون بسیار متأثر از فرهنگ ایرانی اسلامی بود. یکی از دلایل این ارتباط همسر ایرانی شاه جهان، دختر آصف خان، برادر غیاث بیگ تهرانی و بالاترین وزیر دربار است (شاه جهان برای این همسر ایرانی بنای مشهور تاج محل را بنا نهاد). مطالعات انجام شده نشان می‌دهد مسجد جامع دهلی از آثار برجسته عصر شاه جهان و ناشی از تداوم توسعه معماری ایرانی اسلامی است. طرح مسجد جامع دهلی به دلیل رعایت نکات مهم طراحی شهری، خصوصاً ارتباط بافت و فضای شهر با کالبد و فضای درون مسجد، پلان مطلوب، ترکیب موزون اجزای و عناصر طرح، رنگ و گرافیک حساب شده‌ای که در راستای تقویت و تأکید مفاهیم مورد نظر به کار گرفته شده است، نوآوری در طرح با ایجاد رابطه بصری و فیزیکی از درون به بیرون مسجد و بر عکس و مردمی و مردم وار بودن بنا، نمونه‌ای حایز اهمیت محسوب می‌شود. نکته‌ای که در بازآموزی از مساجد گذشته و این طرح می‌توان استفاده کرد، همین مردمی بودن و ارتباط مسجد با بیرون از طریق باز کردن رواقها و بطرف فضای بیرون مسجد است. فضای رواقها و سطوح پلکانهای این مسجد همانند سکوی صفا مسجد النبی عمل می‌کند. توجه به این نکته در طراحی مساجد امروز خصوصاً در ایران بسیار ضروری است زیرا مسجد خانه خداست و باید پناگاهی برای مستضعفین باشد؛ بنا بر این بستن صحن و رواقهای مسجد بر روی مردم با دیوارهای حجیم ضرورتی ندارد؛ چه اشکالی دارد صحن و رواقها تنها با اختلاف سطح و با نرده‌ای زیبا از فضای شهر جدا شوند و تنها قسمت شبستان یا فضای که اموال با ارزش در آن جای دارد، بسته باشد. البته این موضوع باید با توجه به اقلیم هر منطقه انجام شود؛ به عنوان مثال در مناطق کویری توجه به جهت باد و ایجاد سایه از طریق دیوارهای منقطع یا استفاده از شبکه‌هایی که از تأثیر مستقیم باد و گرد و خاک جلوگیری کند، حایز اهمیت است. برای مردمی نمودن مساجد امروز، باید به جای توجه بیش از حد به سبکهای معماری غریبه - که به گفته آقای صادق گلپایگانی «مدرنسم در آنها (مساجد ابوفیصل و طوبی در پاکستان) زار می‌زند» [۷] - به مسجد النبی - که اکثر راهها به آن ختم می‌شد [۸] و جایگاهی نیز در کنار در جبرئیل برای فقرادر نظر گرفته شده بود - توجه خاصی مبذول داشت. توجه به معیارهای



طراحی شهری در مکان گزینی مساجد جدید همچون ابعاد بصری (نمایش مسجد از دور دست)، ایجاد فضای شهری مناسب در اطراف مسجد (برای فراهم نمودن فضا برای حجم نمازگزار بیش از ظرفیت مسجد) دسترس‌یهای مناسب، و فضای پارکینگ کافی از دیگر نکات حایز اهمیت به شمار می‌آیند.



شکل ۱۹ نمای شهر از داخل رواقها

۵- منابع

- [1] Jairazbhoy, R.A; *An outline of Islamic Architecture*; Bombay; Asia Publishing House, 1972, pp. 326-329.
- [2] پور جعفر، محمد رضا، «تجزیه و تحلیل معماری اسلامی در شبه قاره»؛ طرح تحقیقاتی مصوب دانشگاه، گزارش تحقیقاتی مرحله دوم و سوم؛ ۱۳۷۹. ص. ۲۰.
- [3] [http:// WWW. robinsonresearch. com / ARCHITEC / INDIA/ India. htm](http://WWW.robinsonresearch.com/ARCHITEC/INDIA/India.htm), (Feb, 2000, P. 2, of 4).
- [4] Bijit Chosh (ed); *Shahjahanabad*; s.p.a, New Delhi, 1980, pp; 15 – 21.
- [5] هالاید، م، گوتس، هرمان، هنر هند و ایرانی و هند و اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران؛ ۱۳۷۶، صص. ۴۵-۸۰.
- [6] کیانی، محمد یوسف؛ تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی دانشگاهها (سمت)؛ ۱۳۷۴، ص. ۸۰-۹.
- [7] صادق گلیایگانی، قاسم، سفرنامه پاکستان، نگرش به تاریخ و فرهنگ، مدرنیزم و تجدد طلبی؛ انتشارات کلمه، تهران، ۱۳۶۶، ص. ۴۷-۷۱.
- [8] بیضایی، طیب، همه راههای شهر به مسجد ختم می‌شوند، روزنامه کیهان، ش ۱۶۷۵۴، ۱۲/۱۲/۷۸.